

دیوان دآوری دعاوی ایران - ایالات متحدہ

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL

پرونده شماره ۱۷۲

شعبه یک

حکم شماره ۱ - ۱۷۲ - ۳۷



کوئینز آفیس تا وراسوشی ایٹس ،

خواهان ،

- و -

شرکت هواپیمائی ملی ایران ،

خوانده .

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دادگاه دآوری دعاوی ایران-ایالات متحده
ثبت شد - FILED	
DATE	۱۳۶۲ / ۴ / ۶
	27 JUN 1983
NO.	۱۷۲
	۱۷۲

حکم

حاضران :

از جانب خواهان : آقای جورج ا. لندر ، وکیل

از دارالوکاله : آرنت ، فاکس ، کینتنر ، پلاتکین وکان

از جانب خوانده : آقای محمدرضا عسکری، وکیل ایران ار (هواپیمائی ملی ایران)

سایر حاضران: آقای محمدکریم اشراق ، قائم مقام نماینده رابط جمهوری

اسلامی ایران،

آقای پرویز انصاری، آقای ا. نوری

مشاوران حقوقی نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران

خانم جیمیسون سلبی، قائم مقام نماینده رابط ایالات متحده

آمریک

آقای جان رینولدز، وکیل - مشاور نماینده رابط ایالات متحده

آمریک

DUPLICATE
ORIGINAL
نسخه برابر اصل

اول - جریان دعوی

کوئینز آفیس تا و راسوشی ایتس ("کوتا")، ادعای حاضر را در تاریخ ۱۸ دسامبر ۱۹۸۱ (۲۷ آذرماه ۱۳۶۰) علیه شرکت هواپیمائی ملی ایران ("ایران ار") ثبت رسانده، و بابت نقض ادعائی اجاره ملکی در نیویورک و بهره و هزینه های داوری مطالبه خسارت کرد. ایران ار در تاریخ اول سپتامبر ۱۹۸۲ (۱۰ شهریورماه ۱۳۶۱) به ثبت لایحه دفاعیه ای اقدام و ضمن رد ادعا، ادعای متقابلی بابت خساراتی که حسب الادعا در اثر تخلیه ملک متحمل شده بود، مطرح ساخت. جلسه استماعی در تاریخ ۲۰ ژانویه ۱۹۸۳ (۳۰ دیماه ۱۳۶۱) تشکیل شد. خواننده طی استماع "یک اظهاریه کتبی دیگر و اصلاحیه ادعای متقابل" به ثبت رساند. دیوان داوری ثبت اصلاحیه را مجاز شناخت.

دوم - واقعیات و اظهارات

کوتا، یک شرکت مدنی یا مسئولیت محدود است (Limited Liability Partnership) که مطابق قوانین ایالت نیویورک تاسیس یافته است. کوتا رونوشت رسمی گواهی های تولد اعضای مختلف خانواده "لفرک" را که مجتمعا "مالک ۱۰۰٪ شرکت مدنی می باشند، تسلیم کرده است. گواهی های تولد مزبور ثابت می کنند که صاحبان کوتا همگی تبعه ایالات متحده هستند. بعلاوه، کوتا از بدو پیدایش این ادعا مستمرا "مالک آن بوده است. طبق بندهای ۲ و ۱ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعوی، این ادعا مشمول صلاحیت دیوان داوری می شود.

"ایران ار" موجودی است که ۱۰۰٪ سهام آن به دولت ایران تعلق دارد. از آن گذشته، ایران ار بموقع ادعا نکرده است که طبق مفهوم مستفاد از بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعوی تحت کنترل دولت ایران نیست. بنا براین، تا آنجا که به ادعای حاضر مربوط است، ایران ار مشمول صلاحیت دیوان داوری است.

در تاریخ اول اوت ۱۹۷۹ (۱۰ مردادماه ۱۳۵۸) ایران ار قراردادی بابت اجاره ("اجاره") محل دفتر تجاری از کوتا، "به منظور استفاده تجاری جهت استقرار ادارات عمومی و اجرائی" ایران ار و نه بمنظور دیگری منعقد نمود. ماده ۲ اجاره. در آن هنگام، ایران ار مبلغ ۱۱،۳۳۲/۲۹ دلار بابت پیش پرداخت اجاره بهای یک ماه پرداخت نمود. قرار بود که مدت اجاره از تاریخ شروعی که پس از تکمیل پاره ای کارهای ساختمانی در داخل بنا تعیین خواهد شد،

۱۰ سال باشد. کوتا در تاریخ ۲۴ نوامبر ۱۹۷۹ (۳ آذرماه ۱۳۵۸) محل رایحه ایران ارتحویل داد. طبق موافقت نامه تکمیلی مورخ ۲۷ نوامبر ۱۹۷۹ (۶ آذر ماه ۱۳۵۸)، طرفین توافق نمودند که تاریخ شروع اجاره ۲۴ نوامبر ۱۹۷۹ (۳ آذر ماه ۱۳۵۸) و تاریخ انقضای آن ۳۰ نوامبر ۱۹۸۹ (۹ آذرماه ۱۳۶۸) باشد. مبلغ ۱۱،۳۳۲/۲۹ دلار پیش پرداخت قبلی به عنوان اجاره بهای ماهه دسامبر ۱۹۷۹ منظور گردید.

در تاریخ ۴ نوامبر ۱۹۷۹ (۱۳ آبانماه ۱۳۵۸)، یعنی قبل از شروع تصرف ساختمان توسط ایران از عده ای از اتباع ایران، سفارت ایالات متحده در تهران را اشغال و اتباع ایالات متحده آمریکا را توقیف نمودند. در تاریخ ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ (۲۳ آبانماه ۱۳۵۸) رئیس جمهور ایالات متحده، ضمن اعلام اقدام در قبالی حوادث مزبور، دستور جرائی شماره ۱۲۱۷۰ را صادر و به موجب آن "کلیه اموال و حقوق مربوط به اموال دولت ایران، عوامل و موسسات تحت کنترول آن" در قلمرو قضائی ایالات متحده را مسدود نمود. متعاقب دستور مزبور، وزیر خزانهداری ایالات متحده ماده ۵۳۵-۱۰۱ و مواد متعاقب آنرا از جلد ۳۱ مجموعه قواعد فدرال (CFR) بعنوان مقررات مربوطه کنترول داراییهای ایران (مقررات مربوطه دارائی) صادر کرد. (31 CFR § 535 . 101 et seq)

آقای عسکری در جلسه استماع اظهار داشت که در تاریخ ۷ نوامبر ۱۹۷۹ (۱۶ آبانماه ۱۳۵۸) به علت عدم عرضه خدمات لازم جهت فرود هواپیما از طرف مقامات مربوط در فرودگاه جان اف. کندی پرواز ایران را به ترانتو (کانادا) منحرف و لذا عملیات ایران در ایالات متحده متوقف گردید.

با اینکه قرار بود اجاره بهادر اول هر ماه پرداخت گردد، ایران از اجاره بهای روزهای ۲۴ تا ۳۰ نوامبر ۱۹۷۹ (۳ تا ۹ آذرماه ۱۳۵۸) و ماههای ژانویه، فوریه، مارس، مه و ژوئن ۱۹۸۰ (دی، بهمن، اسفندماه ۱۳۵۸ و فروردین، اردیبهشت و خردادماه ۱۳۵۹) را به ترتیب که حال می شد پرداخت نکرد. در ماه مارس ۱۹۸۰، کوتا در متابعت از قرارداد اجاره، مبلغ ۱۳،۹۶۴/۱۶ دلار بابت اجاره بهای روزهای آخر ماه نوامبر و ماه ژانویه از اعتبارنامه ای که توسط ایران از به نفع کوتا جهت تضمین پرداخت اجاره بها گشایافته بود، برداشت نمود. اجاره بهای ماه فوریه بهمین ترتیب در ۳ آوریل ۱۹۸۰ (۱۴ فروردینماه ۱۳۵۹) وصول گردید.

در تاریخ ۲۷ آوریل ۱۹۸۰ (۱۸ فروردینماه ۱۳۵۹) رئیس جمهوریالات متحده با صدور دستوراجرائی شماره ۱۲۲۰۵، بعنوان "تحریم معاملات معینی با ایران" که تحریم مزبور شامل ارسال تمام کالاها، به استثنای کالاهای اضطراری "توسط کشتیها و هواپیماهای ثبت شده در ایران" می شود راممنوع ساخت.

در تاریخ ۱۵ آوریل ۱۹۸۰ (۲۶ فروردینماه ۱۳۵۹) کوتا در دادگاه مدنی نیویورک (بخش کوئینز) دعوائی اقامه و به علت قصور ایران اردر پرداخت اجاره بهای ماههای مارس و آوریل در موعد، خواستار تصرف مجدد ملک گردید.

در تاریخ ۱۷ آوریل ۱۹۸۰ (۲۸ فروردینماه ۱۳۵۹) رئیس جمهور امریکا دستور اجرائی شماره ۱۲۲۱۱ را تحت عنوان "تحریم های بیشتر در معاملات با ایران" صادر کرد، که حاوی دستوری بود مبنی برالغاء پروانه های موجود جهت دادوستد با ایران ارتوسط کسانی که در قلمرو قضا ئی ایالات متحده قرار دارند... و آن پروانه ها قبلاً بموجب مقررات مندرج در دستوراجرائی شماره ۱۲۱۷۰ یا دستوراجرائی شماره ۱۲۲۰۵ صادر شده بود. رئیس جمهور امریکا اعلام داشت که اثر دستورالغاء مزبور، تعطیل کردن دفاتر [ایران را] در ایالات متحده خواهد بود. رجوع شود به: پاراگراف ۵ پیام رئیس جمهور - سوربه کنگره حاوی گزارش در مورد تحریم های بیشتر در معاملات با ایران و انتشار دستوراجرائی (۱۷ آوریل ۱۹۸۰ / ۲۸ فروردینماه ۱۳۵۹).

در تاریخ ۲۴ آوریل ۱۹۸۰ (۴ اردیبهشت ماه ۱۳۵۹) دادگاه نیویورک به تصرف ملک توسط کوتا از تاریخ ۲۹ ژوئن ۱۹۸۰ (۸ تیرماه ۱۳۵۹) حکم داد، در صورتیکه قبل از تاریخ مزبور ایران ارمبلغ ۲۲,۶۴۴/۵۸ دلار بابت اجاره بهای ماههای مارس و آوریل را پرداخت نکرده باشد. ایران ارمبلغ مورد بحث را در تاریخ ۳۰ ژوئن ۱۹۸۰ (۹ تیرماه ۱۳۵۹) تخلیه کرد. در ماه اوت ۱۹۸۰ (تیر - مرداد ماه ۱۳۵۹) کوتا بقیه مبلغ موضوع اعتبار نامه را برداشت نمود، این مبلغ کلیه اجاره بهای حال شده تا پایان ژوئن ۱۹۸۰ (۹ تیرماه ۱۳۵۹) را با استثنای مبلغ ۵۷۵/۶۱ دلار، تامین نمود. کوتا ساختمان را در تاریخ ۱۲ مارس ۱۹۸۱ (۲۱ اسفندماه ۱۳۵۹) به مستاجر دیگری اجاره داد.

در دادگاه نیویورک کوتا این موضع را اتخاذ نمود که ایران را از اول مارس ۱۹۸۰ (۱۰ اسفندماه ۱۳۵۸) با قصور در پرداخت اجاره بها، که موعد پرداخت آن اول هر ماه است /

قرارداد اجاره را نقض کرده است. در پرونده حاضر، کوتا در تائید خسارات مورد ادعای ناشی از عدم وصول مال الاجاره، مخارج نوسازی ملک و حق الزحمه های دلالی و وکالت، به موادی از قرارداد اجاره استناد می نماید که ناظر بر جبران خسارات و استحقاق وی به دریافت حق الزحمه ها و هزینه ها است.

پاسخ ایران را سن است که بعد از تاریخ ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ (۲۳ آبان ماه ۱۳۵۸)، مقررات مربوط به دارائی ها که در آن تاریخ وضع گردید، قرارداد اجاره را غیر قانونی و موضوع اجاره را منتفی ساخت، و لذا ذمه ایران را با بابت تعهدات ناشی از آن مبری نمود. بعلاوه، ایران را بابت کلیه اجاره بهائی که بعد از تاریخ ۲۴ نوامبر ۱۹۷۹ (۳ آذر ماه ۱۳۵۸) با برداشت از اعتبار نامتوسط کوتا وصول شده ادعای متقابل نموده، و مدعی است که طبق مقررات مربوط به دارائی ها، واگذاری ملک از طرف کوتا بعد از تاریخ ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ (۲۳ آبان ماه ۱۳۵۸) غیر قانونی بوده، و بنا بر این کوتا نمی تواند اجاره بها را وصول و یا بعداً "به استناد واگذاری غیر قانونی ملک مطالبه خسارت نماید. علاوه بر این، ایران درخواست وصول خساراتی است که اظهار می دارد در نتیجه تخلیه ملک در ۳۰ ژوئن ۱۹۸۰ (۹ تیر ماه ۱۳۵۹) متحمل گردیده است.

کوتا چنین پاسخ می دهد که حتی در صورت منتفی شدن موضوع وهف (frustration) قرارداد اجاره و حتی اگر پرداخت اجاره بها از تاریخ اول مه ۱۹۸۰ (۱۱ اردیبهشت ماه ۱۳۵۹) تقریباً "غیر ممکن شده بود، این امر ناشی از توقیف اتباع ایالات متحده، نهایتاً توسط دولت ایران حادث شده بود، و بنا بر این، ایران اربّه عنوان واحدی که کلاً به دولت ایران تعلق داشته و تحت کنترل آن دولت است نمی تواند بدان استناد نماید. ایران در پاسخ اظهار می دارد که به عنوان یک واحد حقوقی مجزا در حوادث نوامبر ۱۹۷۹ (آبان ماه ۱۳۵۸) تهران دخالتی نداشته و بنا بر این وی "طرفی" نیست که موجبات انتفاء قرارداد اجاره را ایجاد کرده باشد، حتی اگر اساساً "بتوان حوادث مزبور را به دولت ایران انتساب داد.

سوم - دلایل

الف - منتفی شدن هدف یا عدم امکان اجرای قرارداد اجاره

اولین وظیفه دیوان داور این است که تعیین کند آیا در اثر مقررات مربوط به دارائی ها

موضوع قرارداد اجاره منتفی شده یا اجرای آن غیرممکن گردیده است، واگر چنین باشد، از چه تاریخی این وضعیت حاد است؟
است. موضوع باید بر اساس قانون ایالت نیویورک مورد رسیدگی واقع شود، چه این قانون است که در مورد حقوق و تعهدات ناشی از معاملات مستغلات قابل اجرا است. در دعوی ۱۱۹ خیابان پنجم علیه تایو تریدینگ کامپنی

119 Fifth Ave. v. Taiyo Trading Co., 190 Misc. 123, 125

(N.Y. Sup. Ct. 1947), aff'd, 87 N.Y.S.2d 430,

دادگاه اعلام کرده "عامل اصلی در هر موردی که منتفی شدن [موضوع عقد] در آن مطرح باشد، عدم امکان اجراست"، و سپس بین "عدم امکان مطلق" و "عدم امکان نسبی" قائل به تفاوت شد. وضعیت های به اصطلاح "عدم امکان مطلق" متضمن حوادث غیر مترقبه ای است که انجام قرارداد را منع یا آن را غیر قانونی می کند. "عدم امکان نسبی" عبارت از آن شرایطی است که با وجود امکان عملی، خصوصیت انجام آن به اندازه ای با خصوصیات مندرج در قرارداد اصلی تفاوت پیدا می کند که تعهدات مربوط به اجرا را کاملاً دگرگون می سازد.

طبق قانون نیویورک در مواردیکه تا شراقت اقدام دولت در قراردادهای اجاره مطرح است، ضابطه بخصوص آن است که طرفی که می خواهد نسبت به تعهدات خود بری لزمه گردد، باید ثابت کند:

۱- که "مقصود اجاره کاملاً منتفی شده و اجرای آن در اثر اعمال قدرت حاکمیت

دولت غیرممکن شده است"؛ 119 Fifth Ave., 190 Misc. at 126;

۲- که "وضع یا حادثه غیر مترقبه در موقع انعقاد اجاره مدنظر طرفین نبوده و پیش بینی آن و یا

مقابل به آن امکان نداشته است؛"

119 Fifth Ave, supra; Lloyd v. Murphy, 153 P.2d 47, 50

(Cal. 1944)

(نقل شده توسط دادگاه نیویورک)؛ و

۳- که "حادثه یا وضعی که موجب منتفی شدن عقد گردیده به قصور طرفی که مدعی زوال عقد است قابل

انتساب نباشد." McNair and Watts, The Legal Effects of War 180

(نقل از یکی از چاپ های قبلی توسط دادگاه نیویورک). (1966)

در صورتیکه این ضابطه اجرا نگردد، دادگاه اجاره را از تاریخ وقوع حادثه یا وضع غیر

مترقبه منفسخ خواهد دانست. در نتیجه، طرفین "از مسئولیت در قبال ... اقداماتی که هنوز موعد انجامشان نرسیده میری می‌گردند."

McNair and Watts, Supra at 182.

در عین حال، "هرگاه طبق قرارداد پولی پرداخت شده و قرارداد رائل گـردد و هیچگونه عوضی در مقابل پرداخت مزبور داده نشده، وجه مزبور قابل وصول می‌باشد. . . . " ایضا"، صفحه ۱۸۴. بعلاوه پذیرفته می‌شود که در صورت زوال عقد اجاره، مستاجر "مادام که عین مستاجر را در تصرف داشته باشد ... مسئول شناخته خواهد شد."

6 Williston, On Contracts § 1955 at p. 143 (rev.ed.); 3 M. Friedman, On Leases § 27.302c at p. 1018 (1978).

دیوان داوری معتقد است که ایران ارثابت کرده که حداقل از اول مه ۱۹۸۰ (۱۱ اردیبهشت

ماه ۱۳۵۹) هدف اجاره منتفی شده، و تعهدات آن شرکت در مورد پرداخت اجاره بها، عملاً و از نقطه نظر تجاری، دست کم از همان تاریخ، غیرممکن گردیده است. رئیس جمهور آمریکا در تاریخ ۷ آوریل ۱۹۸۰ (۱۸ فروردینماه ۱۳۵۹) طی دستور اجرائی شماره ۱۲۲۰۵، که در همان روز لازم الاجرا می‌گردید، حمل اکثر کارکالاها را بدون تحصیل اجازه حمل، از ایالات متحده به وسیله هواپیماهای ایران ارتحريم کرد. در تاریخ ۹ آوریل ۱۹۸۰ (۲۰ فروردینماه ۱۳۵۹) در پیشبرد اجرای دستور مزبور مقررات مربوط به دارائیها اصلاح گردید. Asset Regulations § 535.207 (a) (3).

ماده (۳) (الف) ۵۳۵/۲۰۷ مقررات مربوط به دارائیها.

در تاریخ ۱۷ آوریل ۱۹۸۰ (۲۸ فروردینماه ۱۳۵۹) آن رئیس جمهور به موجب دستور اجرائی شماره ۱۲۲۱۱ به وزیر خزانهداری ماموریت داد که از اول مه ۱۹۸۰ (۱۱ اردیبهشت ماه ۱۳۵۹)، "کلیه پروانه‌های معاملات مشمول قلمرو قضائی آمریکا با ایران را که قبلاً" تحت دستور اجرائی شماره ۱۲۱۷۰ (مورخ ۱۴ نوامبر ۲۳/۱۹۷۹ آبانماه ۱۳۵۸) یا دستور اجرائی شماره ۱۲۲۰۵ (مورخ ۷ آوریل ۱۸/۱۹۸۰ فروردینماه ۱۳۵۹) صادر گردیده، فسخ سازد."

در عین حال، دامنه محدودیت های قبلی درباره فعالیت ایران را توسعه یافته شامل منع معاملات مربوط به مسافرت اتباع امریکائی به ایران شد، (1) (a) § 535.209 Asset Regulations، با اینحال این منع شامل معاملات مربوط به مسافرت اتباع ایران به ایران نمی شد. ایضا، ماده (ب) ۵۳۵/۲۰۹ وزارت خزانه داری، با اصلاحیه بعدی توضیح داد که معاملات تحریم شده طبق ماده (الف) ۵۳۵/۲۰۹ شامل موارد زیر است " ترتیب حمل و نقل مسقیم یا غیر مستقیم به ایران، فروش بنیضه های مؤسسات حمل و نقل خارجی سرویس دهنده به ایران، اعم از اینکه مبدأ آنها ایالات متحده یا شریا خیر؛ اجاره در بست هواپیما یا کشتی؛ یا ترتیب تسهیلات، حمل و نقل زمینی یا فعالیت های مسافرتی در داخل ایران." ماده ۵۳۵/۴۳۲ مقررات مربوط به دارائیها (مورخ ۳ ژوئن ۱۳/۱۹۸۰ خرداد ماه ۱۳۵۹). قصد رئیس جمهور مربوط آن بود که "دفا ترا ایران ار را در ایالات متحده تعطیل نماید." به نظر دیوان داورى قصد مزبور به تحقق پیوست.

از اول مه ۱۹۸۰ (۱۱ اردیبهشت ماه ۱۳۵۹) ایران اردیگر قادر به تهیه پروانه جهت بخش عمده ای از تجارت خود نبود. تهیه این قبیل پروانه ها بموجب محدودیت های قبلی در مورد پرداخت ها، حمل و نقل و پرواز، از لحاظ نظری امکان پذیر بود. فی المثل رجوع شویبه مواد ۵۳۵/۲۰۱ مقررات مربوط به دارائیها (محدودیت مربوط به انتقال اموال " به استثنای موارد مجاز")، ۵۳۵/۲۰۷ (الف) (محدودیت حمل کالاها به ایران " به استثنای موارد مجاز به موجب مقررات، تفسیرها، دستورالعملها، پروانه ها و غیره") و ۵۳۵/۸۰۱ الخ (تفصیل نحوه صدور پروانه). با اینکه قانونا " امکان داشت که بابت پرداخت تعهدات سابق وجوهی را منتقل ساخت (بدون اینکه وجوه مزبور مسدود گردد)، مقررات مربوط به دارائیها در ماده ۵۳۵/۹۰۴ پرداخت بابت تعهداتی که در اول مه ۱۹۸۰ (۱۱ اردیبهشت ماه ۱۳۵۹) یا بعد از تاریخ مزبور ایجاد می شد، به این سهولت امکان پذیر نبود. رجوع شویبه نامه مورخ اول مه ۱۹۸۰ (۱۱ اردیبهشت ماه ۱۳۵۹) دلیو. نیکلاس، کارمند وزارت خزانه داری ایالات متحده به لفرک اورگانیزیشن، راجع به پرداختها توسط ایران را.

به مجرد اینکه پذیریم دست کم از اول مه ۱۹۸۰ (۱۱ اردیبهشت ماه ۱۳۵۹) محل مورد اجاره " برای استفاده تجاری و استقرار ادارات عمومی و اجرائی مستاجر" - به علت

اینکه مستاجر دیگر فعالیت تجاری نداشت، آشکار می سازد که ادا مه پرداخت اجاره بها به کوتا از طریق کشورهای خارجی یا ترتیبات دیگری که در قرارداد مقرر نشده از نظر تجاری امکان نداشته است، بنا بر این به نظر دیوان داوری، لاقلاً از اول مه ۱۹۸۰ (۱۱ اردیبهشت ماه ۱۳۵۹) در مورد تعهدات ایران نسبت به قرارداد اجاره ترکیبی از منتفی شدن هدف و عدم امکان پرداخت در ایالات متحده وجود داشته است.

با توجه به آنچه بیان شد، با یدروشن باشد که دعای ایران از دارا اینکه کوتا با انتقال تصرف (تسلیم عین مستاجر) با و در ۲۴ نوامبر ۱۹۷۹ (۳ آذر ماه ۱۳۵۸) مقررات مربوط به دارا اینها را نقض کرده است فاقد اعتبار است. این حقیقت دارد که هرگونه انتقال حقوق اجاره به ایران بعد از تاریخ ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ (۲۳ آبان ماه ۱۳۵۸) نوعی انتقال مالکیت در چارچوب مفهوم مقررات مربوط به دارا اینها، محسوب می شود. رجوع شود به مواد ۵۳۵/۲۰۱ و ۵۳۵/۳۱۱ مقررات مربوط به دارا اینها. لیکن، انتقال حقوق استیجاری ایران از دارا اول و ۱۹۷۹ (۱۰ مرداد ماه ۱۳۵۸)، یعنی تاریخی که ایران از حقوق لازم الاجرا علیه کوتا را تحصیل کرده بود بوی انتقال یافت، نه در تاریخی که ایران از عین مستاجر را تصرف (قبض) کرد. در هر حال، ایران از می توانست در صورت تردید، با همکاری یا بدون همکاری کوتا، از وزارت خزانهداری درخواست پروانه نماید. مقررات مربوط به دارا اینها، ماده ۵۳۵/۸۰۱ (ب) (۲). نظر به اینکه اقدام کوتا در دادن اجازه تصرف به ایران از غیرقانونی نبوده است، کوتا نمی تواند از استفاده از واقعیت تصرف ایران از به عنوان "مبنای ادعا یا تا ئید هرگونه منافع یا حقوق، جبران خسارت، اختیار یا امتیاز مربوط به آن ملک ممنوع شود. ایضا" ماده ۵۳۵/۲۰۳ (الف)؛ مقایسه شود، ایضا "باماده ۵۳۵/۲۰۳ (د) (۱) (شرط اعمال ضمانت اجراهای مزبور را "عمدی بودن تخلفات قید می کند).

ب- قابل پیش بینی بودن علت انتفاء یا عدم امکان اجرای قرارداد اجاره

دومین سئوالی که برای دیوان داوری مطرح می باشد این است که آیا می توان "منطقاً" گفت که طرفین در تاریخ انعقاد قرارداد، پیدایش عواملی که موجب منتفی شدن یا عدم امکان (اجرای قرارداد) گردید را در مدنظر داشته اند، ((Kerll V. Genry, 2.K.B 740, 752 (1903))) به طوری که "ا مکان پیش بینی و مقابله با آن موجود بوده باشد". (("119 Fifth Ave, 190 Misc. at 126"))

نظر به این تصمیم که انتقال حقوق استیجاری در تاریخ اول اوت ۱۹۷۹ (۱۰ مرداد ماه ۱۳۵۸) واقع شده است، نتیجه گرفته می شود که قابلیت پیش بینی وقایع مزبور با ید در آن تاریخ سنجیده شود. انقلاب اسلامی در ایران قبل از اوت ۱۹۷۹ (مرداد ماه ۱۳۵۸) به وقوع پیوسته بود. ایران نخستین کشوری نیست که تغییرات اجتماعی بنیانی را تجربه کرده است و چه بسا که آخرین کشور هم نباشد؛ ایالات متحده با برخی از این قبیل کشورها روابط خود را حفظ کرده و با بعضی دیگر حفظ نکرده است. با اینکه، این سؤال ظریفی است، دیوان داور چنان نتیجه می گیرد که انسان منطقی در وضعیت طرفین قرارداد نمی تواند پیش بینی کند که روابط ایالات متحده - ایران به حدی زوفا متبرسد که منجر به قطع کامل روابط اقتصادی و دیپلماتیک گردد.

ج - قابل انتساب بودن حوادث غیر مترقبه

کوتا موضوع سومی را مطرح کرده است. کوتا این سؤال را مطرح می کند که آیا ایران ار، به عنوان یک موجود در مالکیت دولت ایران، حق دارد که به دکتترین های منتفی شدن عقد و عدم امکان اجرای آن استناد جوید، در حالی که حوادث غیر مترقبه ای که موجب منتفی شدن عدم امکان عقد گردید، اقداماتی بوده است که دولت ایالات متحده در پاسخ رویدادهای حادث در ایران اتخاذ نموده است. موضع کوتا این است که حوادث غیر مترقبه "منتسب به قصور طرفی است که مدعی زوال عقد می باشد"، و در این مورد طرف واقعی دعوی دولت ایران است.

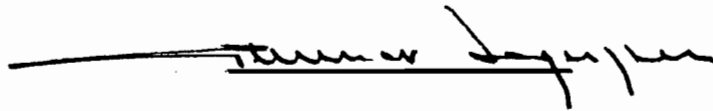
معدلک، دیوان داور ضرورتی نمی بیند که مسئله را به طرزیکه ارائه شده است، حل نماید. در عوض دیوان داور نتیجه می گیرد که صرف نظر از اینکه در این پرونده خواننده واقعی دعوی چه کسی باشد، امری که بنحوموثر سبب منتفی شدن عقد و عدم امکان اجرای اجاره گردید، اعمال حاکمیت سیاسی دولت ایالات متحده بود، نه اقداماتی که به دولت ایران نسبت داده شده است. ایالات متحده که با تصرف خود و توقیف کارکنانش مواجه بود، می توانست به انواع واکنشها از مسالمت آمیزترین تا خصمانه ترین نوع متوسل شود. ایالات متحده آزادانه بر آن شد که از نیمه نوامبر ۱۹۷۹ (اواخر آبان ماه ۱۳۵۸) با اعمال یک سلسله اقدامات پیچیده در راههای ایران واقع در قلمرو قضائی خود (آمریکا) را کنترل نماید. بعداً "همطی همان ماه (نوامبر) در دیوان دانگستری بین المللی درخواست جبران خسارت نمود. طی مفتی که رسیدگی مزبور در دیوان دانگستری بین المللی مطرح

سوم - نتیجه گیری

بنا به دلائل مذکور، ادعا و ادعای متقابل رد می شود، و بنا بر این هیچیک از طرفین تعهدی در قبال طرف دیگر ندارند. هر طرف مسئول پرداخت هزینه های خود خواهد بود.

لا اله،

بتاریخ ۱۵ آوریل ۱۹۸۳ برابر با ۲۶ فروردین ماه ۱۳۶۲



گونا رلاگرن
رئیس شعبه یک



هوارد ام. هولتزمن
نظر مخالف در مورد ادعا و نظر موافق
در مورد ادعای متقابل



محمود کاشانی
نظر موافق